

## آشنایی اجمالی با جراید فارسی هند

سید علی اصغر موسوی عبادی

شبه قاره هند که هم اکنون کشورهای هند، پاکستان، بنگلادش و کشمیر را دربر می‌گیرد، زمانی مهد زبان شیرین فارسی بود و زبان رسمی و اداری آن سرزمین‌ها نیز زبان فارسی بود. انبوهی از دیوان‌های شعر، کتب تاریخ، عقاید و غیره به این زبان توسط دانشمندان و فرهیختگان آن سرزمین تولید شده و اکنون به یادگار مانده است. زادگاه نخستین جراید و روزنامه‌های فارسی نیز هند می‌باشد. روزنامه‌هایی مثل حبل‌المتین حدود چهل سال مداوم به زبان فارسی در آن دیار نشر یافته و نیاز همه فارسی‌زبانان دنیا از جمله مردم ایران را برطرف می‌کرده است. اکنون به بررسی فعالیت جراید و روزنامه‌های فارسی‌زبانی که در هندوستان چاپ و منتشر می‌شده می‌پردازیم که عبارت بودند از:

- |                  |                  |
|------------------|------------------|
| ۱- آزاد (دهلی)   | ۸- البشارت       |
| ۲- آزاد (کلکته)  | ۹- بنگال         |
| ۳- احسن الاخبار  | ۱۰- تمدن         |
| ۴- اخبار ایران   | ۱۱- جام جمشید    |
| ۵- اصلاح (بمبئی) | ۱۲- جام جهان نما |
| ۶- ایران لیک     | ۱۳- چابک         |
| ۷- بحر مواج      | ۱۴- حبل‌المتین   |

- |                    |                       |
|--------------------|-----------------------|
| ۲۶- کلکته          | ۱۵- دعوت الاسلام      |
| ۲۷- کوکب ناصری     | ۱۶- دورنمای ایران     |
| ۲۸- قند پارسی      | ۱۷- راست گفتار        |
| ۲۹- لودیانه اخبار  | ۱۸- راستی             |
| ۳۰- ماه عالم افروز | ۱۹- روزنامه هندوستانی |
| ۳۱- مدرس فارسی     | ۲۰- سکندر             |
| ۳۲- مرآت الاحوال   | ۲۱- سلطان الاخبار     |
| ۳۳- مفتاح الظفر    | ۲۲- سماچرسو           |
| ۳۴- مفرح القلوب    | ۲۳- سید الاخبار       |
| ۳۵- مهر منیر.      | ۲۴- شمس الاخبار       |
|                    | ۲۵- علیگر             |

تعدادی از روزنامه‌های فوق فقط به روایت از محققین و پژوهشگران در فهرست‌ها آمده و اصل روزنامه ملاحظه نشده لذا ما نیز گذرا از آن عبور می‌کنیم ولی سایر روزنامه‌ها را به اختصار مورد بررسی قرار می‌دهیم.

لازم به یادآوری است که عمده مطالب این مقاله از کتاب گران سنگ مرحوم محمد صدر هاشمی استخراج و به کمک مطالب پراکنده دیگر تکمیل شده است و این نگارنده نتوانست شماری از این جراید را شناسایی و معرفی نماید.

### آزاد (دهلی)

روزنامه آزاد در شهر دهلی هندوستان؛ در سالهای ۳- ۱۳۰۲ قمری منتشر شده و این روزنامه با روزنامه سیدالاکبار که در حیدرآباد دکن؛ در همان سال انتشار یافته وارد مبارزه قلمی گردید و آقای صدر هاشمی در کتاب تاریخ جراید خود می‌نویسد که از مبارزه‌های قلمی که در روزنامه سیدالاکبار یا روزنامه آزاد است؛ بوجود روزنامه اخیر پی برده زیرا تا آن موقع شماره‌های روزنامه آزاد را ندیده است.

### آزاد (کلکته)

روزنامه آزاد در شهر کلکته هندوستان به سرپرستی مدیر حبل‌المتین آقای موید الاسلام و مدیرکل میرزا سید حسن کاشانی (عین عبارات سرلوحه روزنامه است).

تأسیس و شماره اول سال اول آن در هشت صفحه به قطع وزیری (همان قطع روزنامه حیل المتین) با چاپ سنگی طبع و در تاریخ هشتم ماه ربیع الآخر ۱۳۱۷ قمری مطابق پانزدهم ماه اگست ۱۸۹۹ میلادی منتشر شده است.

روزنامه آزاد ضمیمه روزنامه مفتاح الظفر که چاپ کلکته بوده (۲) برای اطلاع از شرح روزنامه مفتاح الظفر در صفحات بعد بطور کامل خواهیم پرداخت.

و در هر ماه روزهای یکم و هشتم و پانزدهم و بیست و دوم طبع و توزیع می شده است. این روزنامه برای مشترکین مفتاح الظفر مجانی بوده و برای دیگران آبونه سالیانه آن بدین قرار است.

هندوستان و برمه و خلیج فارس ده رویه، ممالک محروسه ایران و افغانستان ۳۵ قران. چین و ژاپون و روسیه و اروپا ۲۵ فرانک. ممالک عثمانی از عراق و مصر و غیره ۵ مجیدی.

محل اداره روزنامه کلکته. فوجداری، بالاخانه شیشه گلی نمره دو.

راجع به طرز انتشار و مندرجات روزنامه، در هر شماره، در ضمن یک سطر در عنوان روزنامه این قسم نوشته شده است: «این روزنامه هفته وار ملی در مسائلی که راجع به ملک و ملت و دولت باشد آزادانه بحث می نماید.»

در شماره اول سال اول صفحه اول ستون اول شرحی تحت عنوان شکر توفیق راجع به پیدایش و انتشار روزنامه؛ نوشته که عین آن را نقل می کنیم:

«شکر توفیق بعون الله و توفیقاته و به اقبال بی زوال اعلیحضرت اقدس شاهنشاه اسلامیان پناه السلطان مظفرالدین شاه قاجار خلدالله ملکه و سلطانه، موفق به اجرای اولین شماره این روزنامه ملی شدیم و از الطاف خداوندی و توجهات ملوکانه امیدواریم که موفق شویم به اتمام و انجام این خدمت بزرگ، موقتاً روزنامه آزاد هشت صفحه قرار یافته در حقیقت ضمیمه مفتاح الظفر است، اگر چنانچه مشترکین محترم توجه فرمایند انشاءالله بر اوراق او و مفتاح الظفر افزوده وجه اشتراک آنچه معین است برقرار خواهد بود. اسامی وکلای محترم را در نمرات آتیه خواهیم نگاشت و ما توفیقی الا بالله.»

چنانچه از مقدمه مذکور معلوم می گردد منظور از تأسیس دو روزنامه آزاد و مفتاح الظفر این بوده که دومی مخصوص درج مطالب علمی و مقالات ریاضی و حکمی باشد و برای نشر اخبار و مقالات سیاسی و حوادث داخلی روزنامه آزاد تأسیس

گردیده است. بنابراین مندرجات روزنامه آزاد پس از درج مقاله اساسی [سرمقاله]، عبارت است از اخبار داخلی و خارجی و مکاتیب و مقالات وارده از شهرهای مختلف می‌باشد. فهرست مندرجات شماره اول روزنامه آزاد بدین قرار است:

سیاسی، کشتی هوایی، مکتوب از کرمان، آگاهی و کلا و مشترکین محترم آزاد و مفتاح الظفر، مکتوب از بوشهر، بقیه اخبار مدرسه خیریه، قتل عاشق و معشوق، بوشهر، مندرجات صفحه ۸ اخبار شهرهای بار فروش، استرآباد، لاهیجان لنگرود و رشت از قول وقایع نگار روزنامه می‌باشد. در آخر صفحه ۸ امضای حسن الحسینی که همان میرزا سید حسن کاشانی است؛ درج است. از شماره دوم اسم مدیر حبل المتین و قسمت برای مشترکین مفتاح الظفر مجانی است از عنوان روزنامه مدیر حبل المتین و قسمت برای مشترکین مفتاح الظفر مجانی است از عنوان روزنامه حذف شده و فقط اسم مدیر کل میرزا سید حسن کاشانی باقیمانده و معلوم می‌شود از این پس دخالت مدیر حبل المتین از بین رفته است.

آقای صدر هاشمی در تاریخ جراید می‌نویسد که شماره دوم این روزنامه را در دست دارد ولی ادوارد برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی ص ۲۹ می‌نویسد من شماره اول آن را در دست دارم و معلوم می‌شود از شماره دوم آن بی اطلاع بوده. و اما میرزا سید حسن کاشی که در عنوان روزنامه سمت مدیر کل داشته برادر مرحوم موید الاسلام مدیر روزنامه حبل المتین طهران را منتشر می‌ساخته و بنابراین برای اطلاع از شرح حال آن دو برادر باید خوانندگان به حرف «ح» کتاب تاریخ جراید مراجعه فرمایند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

### اخبار ایران

آقای صدر هاشمی در کتاب تاریخ جراید می‌نویسد اطلاع نگارنده از این روزنامه عبارت از چند سطر است که عیناً از مقاله روزنامه نگاری در ایران از شماره ۶ دوره جدید روزنامه کاوه نقل می‌شود. در مقاله مذکور می‌نویسد: «اولین روزنامه فارسی که به سیاق جراید فرنگستان چاپ شده بطور تحقیق معلوم نیست کدام بوده. در کتاب مطبوعه خارج از فرنگستان در ذیل ماده دهلی، پایتخت قدیم هند؛ ذکر شده که در شماره هفتگی «اکبر ایران» یا «اخبار ایران» در سنه ۱۷۹۸ میلادی (۱۳۱۲ق) در آن شهر منتشر بوده است که در صورت صحت احتمال کلی دارد که این روزنامه فارسی

بوده است چه دهلی در سنه ۱۲۱۸ به دست انگلیسها گذشته و پیش از آن مشکل است که روزنامه انگلیسی در آنجا دائر بوده باشد و ممکن است اسم آن روزنامه اخبار فارسی بوده که در املای فرنگی تصحیف شده و اخبار در هندوستان روزنامه را گویند.»

## اصلاح

روزنامه اصلاح به زبان فارسی در شهر بمبئی هندوستان به مدیریت محمد رضا بوشهری و با خط نسخ و چاپ سنگی گردیده است. آقای صدر هاشمی در کتاب تاریخ جراید می‌نویسد:

«روزنامه اصلاح پس از نشر چند شماره از سال سوم در سال ۱۳۲۹ قمری به عللی که بر ما مجهول است دیگر در بمبئی منتشر نگردیده و اداره روزنامه از دیحجه همان سال به تهران منتقل شده است. متأسفانه تا کنون نمونه‌ای از شماره‌های اولیه اصلاح منتشره در تهران را بدست نیآمده ولی در سایر نمونه‌های موجود در داخل اسم روزنامه اصلاح تاریخ ۲۰ ذیحجه ۱۳۲۹ درج شده که می‌رساند روزنامه از این تاریخ در تهران منتشر گردیده است.

آنچه از روزنامه اصلاح در دست می‌باشد مربوط به اول سال ۱۳۰۳ شمسی است توضیح آنکه صفحه سوم و چهارم شماره اول سال دوم روزنامه حیات که در تاریخ یکشنبه ۴ ذیقعد مطابق ۱۹ جوزای ۱۳۰۳ شمسی منتشر شده؛ به نام روزنامه اصلاح چاپ گردیده و البته انتشار این وضع روزنامه یعنی دو صفحه به یک نام و دو صفحه دیگر به نام دیگر خیلی تازگی دارد.

بطور خلاصه اینکه صاحب امتیاز و مدیر مسئول روزنامه اصلاح آقای میرزا محمد رضا بوشهری و محل اداره روزنامه در تهران واقع در چراغ برق بوده که با محل اداره روزنامه حیات یک جا بوده‌اند

طرز انتشار اصلاح در هفته سه شماره بوده و سرمقاله شماره مورخ یکشنبه که شماره هفتم اصلاح می‌باشد تحت عنوان نظری در کتب تعلیمیه و با این جمله شروع می‌گردد: مکرر نوشته‌ایم هر گونه ترقیات ملی... اصلاح به قطع بزرگ و با چاپ سربی در مطبوعه برادران باقرزاده چاپ شده، و شماره ۴ حیات با شماره ۱۰ اصلاح یکجا منتشر گردیده است. مندرجات اصلاح عبارت از

سرمقاله و اخبار و خلاصه‌ای از جراید مرکز و حوادث جهان است. ناگفته نماند که شماره اول سال دوم حیات که صفحه سوم و چهارم آن به نام اصلاح چاپ گردیده؛ پس از پانزده ماه تعطیل است.

متأسفانه مجموعه این روزنامه‌ها حفظ و نگاهداری نشده تا از شماره‌های قبل آن منتشر که می‌شده است اطلاعاتی حاصل شود و اگر در باره نسخ خطی کتب می‌توان احتمال داد و امیدوار بود که روزی نسخه‌ای از آن‌ها در گوشه کتابخانه یافت شود ولی در باره جراید و مجلات این احتمال ضعیف است.»

### ایران لیک

مجله ایران لیک که از طرف انجمن ایران لیک و به کمک آقای سردین‌شاه جی جی بای ایرانی در شهر بمبئی منتشر شده است. این مجله به دو زبان فارسی و انگلیسی بوده و شماره دوم و سوم آن در یک مجلد متعلق به ماههای ژانویه و آوریل ۱۹۳۲ نشر شده مجموع صفحات انگلیسی آن ۱۷۸ صفحه و قسمت فارسی آن ۵۵ صفحه به قطع وزیری است. مندرجات شماره نمونه عبارت است از مقاله پارسیان اهل کتابند و مقاله جشن نوروز به قلم عباس مهرین و یکی دو خطابه. در مجله ایران لیک عکسهای مختلف از مناظر تهران و هندوستان چاپ شده است.

### تمدن

روزنامه تمدن در ماه رمضان ۱۳۲۶ قمری در بمبئی هندوستان منتشر و روی چهار صفحه به قطع روزنامه حبل‌المتین با چاپ سربی در مطبعه حبل‌المتین طبع و توزیع گردید و در غره رمضان ۱۳۲۶ قمری منتشر شده است. عبارت داخل پرانتز به عینه از آخر صفحه چهار روزنامه نقل شده و پهلوی آن سید جلال الدین مویداالاسلام چاپ شده که می‌رساند انتشار روزنامه تمدن به کمک و مساعدت و با همکاری مرحوم مویداالاسلام مدیر روزنامه حبل‌المتین بوده است.

از این قسمت که بگذریم سایر خصوصیات این روزنامه که بیش از یک شماره هم منتشر نگردیده بدین قرار است: در عنوان روزنامه اسم روزنامه به خط نستعلیق درشت و بالای آن عبارت ناله ایران و در زیر آن تاریخ انتشار غره رمضان ۱۳۲۶ قمری چاپ شده در طرف راست نگارنده. مدبر الممالک هرنندی و در طرف چپ

داخله یک ارزن جنبش درج است. آیه ولا تحسب الذین قتلوا فی سبیل اللّٰه امواتا والاحیاء ربهم یرزقون در بالای عنوان و جمله در داخله ایران مطالعه‌کنندگان ذمه دارند که بعد از ملاحظه به دیگری تقدیم نمایند در زیر عنوان طبع گردیده است. مندرجات این شماره عبارت است از در صفحه اول احکام تلگرافی حجج اسلامیه نجف اشرف که تحت عنوان آیه لیهلک من هلک ان دینه ویحیی من حیى ان بینہ چاپ شده و بعد مقاله به عنوان خلاصی ایران موکول به فداکاری ایرانیان است که تمام صفحات ۲ و ۳ و ۴ روزنامه را گرفته و در انتهای آن مدبر الممالک هرندی امضا شده است. این مقاله خیلی تند و به شدت به دستگاه دولت و شخص محمد علی شاه در آن حمله شده من جمله از عبارات این مقاله این است: «ملت ایران امروز باید با تمام قوا استقامت نموده جز قلع محمدعلی میرزا از سلطنت خیالی به خاطر خطور ندهند در دولت و سلطنت مشروطه ملت بدون امضای نمایندگان خود دیناری به دولت دادنی نیست، هیچ یک از دول هم بدون امضای نمایندگان آن ملت معاهده یا قراردادی با آن دولت نتوانند بست.»

هر صفحه روزنامه مشتمل بر دو ستون است، همچنین مدبرالممالک پس از مراجعت از هندوستان و مصر هنگامی که در ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ قمری وارد رشت می‌شود برای بار سوم روزنامه تمدن را آنجا منتشر می‌سازد. ضمناً وی در سال ۱۳۲۹ در تهران روزنامه اطلاعات را به طبع رسانیده است.

### جام جمشید

روزنامه هفتگی جام جمشید در شهر بمبئی تاسیس و در سال ۱۲۶۲ قمری منتشر شده است. (کتاب مطبوعات و شعر فارسی ص ۶۸)

### جام جهان نما

روزنامه هفتگی جام جهان نما در شهر کلکته هندوستان تاسیس و در سال ۱۲۶۲ قمری منتشر شده است.

### چابک

روزنامه هفتگی چابک در بمبئی هندوستان در سال ۱۲۶۲ قمری مطابق ۱۸۴۶ میلادی به زبان فارسی منتشر شده است. (مطبوعات و شعر فارسی ص ۷۲)

## حبل المتین

یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار و مفید زبان فارسی که نزدیک چهل سال در خارج ایران منتشر می‌شده روزنامه معروف و مشهور حبل المتین است. روزنامه حبل المتین که در تهران نیز منتشر شده به مدیریت میرزا سید حسن کاشانی تاسیس و شماره اول آن در چهار صفحه به قطع همان حبل المتین کلکته، در مطبعه سربی مطبعه قاروس طبع و در تاریخ دوشنبه پانزدهم ربیع الاول ۱۳۲۵ قمری مطابق ۱۹ اردیبهشت ماه جلالی ۸۲۹ و ۲۹ آوریل ۱۹۰۷ میلادی منتشر شده است. در عنوان روزنامه مدیر کل جلال الدین الحسینی مویداالاسلام ذکر شده است. شهرت این روزنامه و خدماتی که مدیر آن به وسیله نشر این نامه سودمند به آزادی ایرانیان نموده ما را بی نیاز از شرح و بسط زیاد درباره آن می‌نماید. همین قدر یادآور می‌شویم که با انتشار حبل المتین مرحوم مویداالاسلام بزرگترین خدمت را به برقراری اساس مشروطیت و آزادی ایران نموده است. حبل المتین چون در خارج ایران منتشر می‌شد آزادانه می‌توانست به عمال جور و ستم و درباریان ایران حمله نماید و مفسد و عیوب را بی‌پروا شرح دهد. روزنامه حبل المتین به منظور بیدار کردن ایرانیان تاسیس شده بوده. پس از ملاقاتی که بین مدیر حبل المتین و مرحوم سید جمال اسدآبادی در بندر عباس رخ داد و سید از راه شیراز به اصفهان آمد و مرحوم مویدا به عمان و از آنجا به هندوستان رهسپار شد به فکر بیدار نمودن ایرانیان از طریق روزنامه نگاری افتاد و لذا در سال ۱۳۱۱ قمری که سید جمال الدین در انگلستان و میرزا ملکم خان وزیر مختار ایران در لندن و مویداالاسلام در هندوستان بود، در نتیجه مکاتبات متوالی بین این سه نفر چنین معتقد شدند که ایرانیان احتیاج شدیدی به انقلاب فکری دارند و این انقلاب جز از راه جراید آزاد طریق دیگری ندارد و تنها جرایدند که می‌توانند زمینه انقلاب فکری را آماده و مهیا سازند. این هم آهنگی بین سه نفر آزادیخواه باعث انتشار روزنامه قانون به مدیریت ملکم خان و حبل المتین به مدیریت مویداالاسلام در کلکته گردید.

**طلوع حبل المتین:** روزنامه حبل المتین به مدیریت سید جلال الدین الحسینی ملقب به مویداالاسلام در شهر کلکته به زبان فارسی تاسیس و شماره اول آن در تاریخ دهم جمادی الثانیه ۱۳۱۱ قمری چاپ و توزیع گردیده است. حبل المتین معمولاً در ۲۴ صفحه به قطع وزیری بزرگ، با چاپ سربی در مطبعه حبل المتین طبع و هفته



یکبار روزهای دوشنبه چاپ و سه شنبه توزیع می‌شده است. خصوصیات روزنامه در هر شماره در عنوان آن چاپ شده، اسم روزنامه به خط نسخ درشت و بالای آن نامه مقدسه و در زیر سال تاسیس سنه ۱۳۱۱ و در یک طرف قیمت اشتراک و در طرف دیگر سایر خصوصیات از قبیل کلیه امور اداره با مدیر کل موبدالاسلام است و «مد یکل کالج استریت نمبر ۴» و غیره است. قیمت اشتراک: سالانه: هند و برمه ۱۲ روپیه. شش ماهه ۷ روپیه. ایران و افغانستان ۴۰ قران، ۲۵ قران؛ عثمانی و مصر ۵ مجیدی، سه مجیدی؛ اروپا و چین ۳۰ فرانک؛ ۱۶ فرانک. روس و ترکستان ۱۰ منات؛ ۶ منات. مندرجات حبل المتین پس از درج مقاله اساسی عبارت است از وقایع و حوادث ایران به تفصیل و کشورهای مصر و عراق و عثمانی و غیره و ترجمه تلگرافات خارجی و مقالات مختلف می‌باشد. حبل المتین چون در ممالک ایران، هندوستان، مصر، روسیه نماینده داشته لذا اخبار این کشورها را به تفصیل چاپ می‌کرده به خصوص نسبت به ایران که از اغلب شهرهای مهم برای اداره روزنامه اخبار و مقاله می‌فرستاده‌اند. همین جامعیت و تفصیل اخبار روزنامه بوده که باعث گردیده حبل المتین در ایران رواج و نفوذ زیادی پیدا کند و در میان عموم طبقات خواننده داشته باشد. موضوع دیگری که به نشر فوق العاده روزنامه کمک می‌کرده مجانی بودن روزنامه بوده که مدت ده سال متوالی هر هفته پنج هزار نسخه از آن مجاناً بین روحانیون نجف و علمای ایران و سایر روشنفکران توزیع می‌گردیده به قسمی که در اوایل مشروطیت هر نوبت سی و پنج هزار نمره از آن طبع و منتشر می‌گشته است. و باز به علت همین نفوذ زیاد و بی‌پروائی در نوشتن بوده که ناگهان اتابک را متوجه خطر عظیم روزنامه نمود و برای بار اول مدت چهار سال ورود روزنامه را به ایران غدغن کرد. بعضی علت جلوگیری اتابک از روزنامه را مقالات تند این روزنامه بر علیه روسها در قضیه وام از آن کشور دانسته‌اند. کسروی در بخش اول تاریخ مشروطیت ایران شرحی درباره روزنامه حبل المتین نوشته که بی‌مناسبت نیست قسمتی از آن را عیناً نقل نمائیم. نامبرده در کتاب مذکور تحت عنوان حبل المتین کلکته این‌طور می‌نویسد:

«این نامه هفتگی از همه روزنامه‌های آن زمان بزرگتر و بنامتر می‌بود. در هندوستان چاپ شده و آزادی برای سخن راندن می‌داشت با این همه آزادی چنانچه بعداً خواهیم نگاشت چند بار از طرف دولت هندوستان توقیف شد. علت یکی از چیزهایی که مایه رواج آن گردید این بود که حاجی زین‌العابدین

تقی‌اف پول بسیاری فرستاد که روزنامه به علمای نجف و دیگر جاهای بی‌پول فرستاده شود. از اینجا پیوستگی میان روزنامه و علما پدید آمد و شادروان شیخ حسن ممقانی که این زمان با فاضل شریمانی، دو تن مرجع تقلید می‌بودند، به ستایش حبل‌المتین برخاست و مردم را به خواندن آن برانگیخت. این روزنامه گفتارها درباره گرفتاری‌های سیاسی ایران می‌نوشت و دلسوزی‌ها و راهنمایی‌های بسیار می‌کرد در پیش آمد و ام از روس گفتارهای تندی به چاپ رسانید. به همین انگیزه چهار سال از آمدن آن به ایران جلوگیری شد. و بارها پیشنهاد قانون و حکومت مشروطه یا مشروعه نمود و مردم دلبستگی بسیار به این روزنامه پیدا کردند و نویسنده آن سید جلال الدین کاشانی «موید الاسلام» به نیکی شناخته می‌بود ولی راستی از سودجویان بوده و هر کجا سودی برای خود می‌داشته کوشش به نیکی نموده و کشور را فراموش می‌کرده.»

پس از این قسمت کسروی - موادی را ذکر می‌کند که مدیر حبل‌المتین از «نوزر وزیر گمرکات» و مظفرالدین شاه و محمد علی میرزا تعریف کرده، در پایان می‌نویسد حبل‌المتین جز از امین السلطان که زیان به حبل‌المتین زده بود از دیگران هر کسی وزیر شده چه پیش از مشروطه و چه در زمان استبداد صغیر و چه در زمان التیماتوم روس و بسته بودن دارالشوری، او را ستوده و چاپلوسی‌ها گفته است.

البته برخی از قسمت‌های گفتار مرحوم کسروی درباره مدیر حبل‌المتین موافق نیستم و مرحوم مویدالاسلام را مردی وطن‌دوست و خدمت‌گزار به میهن و آزادیخواه می‌شناسند و اگر از کسانی هم به گفته کسروی در روزنامه تعریف کرده باشد مصلحت وقت بوده و یا به علت کارهای نیکی بوده که از آنها سر زده است. چه اگر مدیر حبل‌المتین مردی سودپرست و به قول کسروی از سودجویان بود باید پس از سی و اند سال نامه‌نگاری لاقفل ثروتی به دست آورده باشد در صورتی که پس از فوت آن مرحوم غیر از مطبعه که روزنامه در آن چاپ می‌شده، چیز دیگری از وی باقی نمانده است.

اما کسروی در همین بخش از تاریخ مشروطه ایران درباره علت جلوگیری اتابک در زمان مظفرالدین شاه از ورود روزنامه‌های فارسی به ایران شرحی نوشته که نقل آن برای روشن شدن این قسمت از تاریخچه روزنامه حبل‌المتین بی‌مناسبت نیست. وی به نقل از تاریخ بیداری چنین می‌نویسد: «شیخ یحیی کاشانی گفتاری درباره

نادرستی‌های انجمن معارف و بدخواهی‌های اتابک نوشته (انجمن معارف و اتابک کمک خرج دبستان رشديه را که شيخ يحيى آموزگار آن بوده موقوف کرده بودند. مولف) و برای چاپ شدن به روزنامه حبل المتين فرستاد و چون آن چاپ شد و به ايران آمد، انجمن سري که برای برانداختن اتابک تشکیل شده بود شيخ يحيى را خواست و باز مقالاتی نوشت و به حبل المتين فرستاد و کم‌کم روزنامه ثريا نيز به زبان آمد و او هم مطالبی نوشت. در نتیجه اينها اتابک از آمدن روزنامه‌های فارسی به ايران جلو گرفت.» ص ۳۴ جلد اول تاريخ مشروطه ايران.

اما اعضای انجمن سري و شيخ يحيى که خود عضو انجمن سري بود بیکار نشستند و نامبرده به اتفاق سيد حسن کاشانی و چند نفر شبنامه نوشته و در اطاق مظفرالدین شاه می‌گذاشتند. در یکی از شبنامه‌ها که در آن از قرضه ايران از روس بدگویی شده و اشعار زیر را فخرالواعظین کاشانی در ذم اتابک سروده و در آن نوشته شده بود؛ وقتی موقرالسلطنه، در نياوران، خواست روی ميز شاه بگذارد، شاه ملتفت شد و موقرالسلطنه را گرفته به چوب بستند تا اینکه اعضای انجمن سري و نویسنده شبنامه‌ها را اظهار داشت. چند شعر از اشعار فخرالواعظین بدین قرار است:

ارمنی زاده میازار مسلمانان را

به کف کفر مده سلطنت ایمان را

عاقبت خانه ظلم تو کند شاه خراب

پس چه حاجت که به افلاک کشی ایوان را

داس غیرت چه شود در کف ملت ظاهر

پاک از لوٹ وجود تو کند بستان را

شيخ يحيى کاشانی نویسنده شبنامه‌ها را دست بسته به اسبی نشانند و به اردبیل فرستادند. سيد حسن کاشانی را به پاس برادرش و به میانجیگری عین الدوله که حکمران تهران بود به ده او مبارک آباد روانه گردانیدند. حاج میرزا حسن رشديه به خانه شيخ هادی نجم آبادی پناه برد و از گزند آسوده ماند و اگر نرم دلی مظفرالدین شاه نبود کمتر یکی از اینان زنده می‌ماند. این واقعه در جمادى الاول ۱۳۱۹ قمری بوده است.

(از صفحات ۳۵ و ۳۶ بخش اول تاريخ مشروطه ايران به طور اختصار)

روزنامه حبل المتین به دستور اتابک مدت چهارسال از سال ۱۳۱۷ از ورود به خاک ایران ممنوع گردید. در پشت جلد دوم نوشته: «روزنامه حبل المتین از دوشنبه ۱۱ ذیحجه ۱۳۱۸ الی دوشنبه ۹ جمادی الثانی ۱۳۱۹. از نمره ۲۵ الی نمره ۴۸ تمهه زمان توقیف است که به ایران نیامده تا زمانی که مجدداً ماذون و آزاد گردیده» این دو مجله متعلق به سال هشتم روزنامه می‌باشد و نمره اول آن که نمره اول سال هشتم است در تاریخ دوشنبه ۱۳ جمادی الثانی ۱۳۱۸ قمری طبع و در ۲۴ صفحه به قطع معمول روزنامه منتشر شده است. مقاله افتتاحی این سال، پس از ذکر فهرست مندرجات بدین قسم شروع می‌گردد: «شکر و توفیق»:

ای شکر تو شکر دهانم      شکر شکر تو کی توانم.

اگرچه در سنه ماضیه یعنی از آغاز هفتمین سال حبل المتین که دهم جمادی الثانیه سنه ۱۳۱۷ تا انجام آن که نهم جمادی الاخری سنه ۱۳۱۸ است، این اداره اسلامی و خادم حقیقی وطن عزیز و خیرخواه ملت و دولت اسلامی خدنگ هزاران گونه صدمات و لطمات خارجی و محیط نزول صدها قسم بلیات داخلی واقع بود...» در همین نمره مقاله مفصلی تحت عنوان «تبریک عید مولود مسعود اعلیحضرت اقدس شاهنشاه خلدالله ملکه» نوشته است.

پس از توقیف مذکور؛ یک مرتبه هم حبل المتین برای مدت هشت سال از طرف دولت هندوستان از انتشار آن جلوگیری شد. آغاز این توقیف ظاهراً سال ۱۲۹۵ شمسی بوده و در اوایل سال ۱۳۰۳ شمسی از توقیف خارج و مجدداً منتشر گردیده است. در روزنامه ایران مورخ اول اسد ۱۳۰۳ شمسی راجع به انتشار مجدد حبل المتین تحت عنوان «بشارت» این طور می‌نویسد: «روزنامه کهن سال حبل المتین کلکته که قدیم‌ترین جراید پارسی و خدمات بی‌پایانش به ملت و مملکت و مشروطیت ایران اظهر من الشمس است بعد از هفت هشت سال تعطیل اجباری اینک شروع به طبع و نشر شده و اولین شماره سال سی و دوم آن به اداره ما رسیده و حاوی بهترین مقالات و اخبار است.»

از آن پس تا هنگام فوت مویدالاسلام یعنی تا آذر ۱۳۰۹ حبل المتین منتشر می‌گردید. در سنوات اخیر به علت ضعف باصره که برای آن مرحوم پیش آمده بود؛ امور اداره روزنامه به عهده دختر دوم او فرخ سلطان می‌بود و چند سال اسم نامبرده در عنوان روزنامه به سمت دبیر ثانی قید گردیده است. قبل از آن که به شرح احوال

مرحوم مؤیدالاسلام بپردازیم قسمتی از قصیده‌ای را که مرحوم وحید دستگردی در ستایش حبل المتین سروده نقل می‌نمائیم. تمام این قصیده در شماره‌های ۵ و ۶ ارمغان مورخ مرداد و شهریور ۱۳۰۸ چاپ شده و قبل از شروع به آن، چند سطر از مقدمه را نیز نقل می‌نمائیم. اینک مقدمه و قسمتی از قصیده:

«خدمات چهل سال مدیر نامه مقدس حبل المتین کلکته سید جلال‌الدین کاشانی «مؤیدالاسلام» به سیاست و سعادت و استقلال مملکت ایران بر هیچ کس پوشیده نیست و تا قیامت در نظر ایرانیان فراموش نخواهد شد.

بعد از جنگ عمومی هنگامی که این نامه مقدس به جرم دوستی ایران از طرف دشمن دچار تعطیل و توقیف بود نگارنده ارمغان به نام قدرشناسی و پاس خدمات ملی قصیده راجع به خدمات و زحمات مدیر نامه مقدس انشاء و با پست ارمغان خدمت آن مدیر مرقوم داشته.

#### قصیده:

امیر ملک سیاست خدیو مصر کلام	زهی دبیر هنر پرور خرد فرجام
جلال مملکت جم مؤیدالاسلام	مدیر نامه حبل المتین کلکته
به شرح ناید اشجار اگر شوند اقلام	حکایت قلم حق نویس و نامه او
چو شعر تازی بر بو فراس و بو تمام	تمام گشته بدو نشر پارسی امروز
رسول شرح مواسات امام پاک همام	سروش عرش مساوات پیک آزادی
مسئل بند حوادث به بازوی اقدام	گره گشای سیاست به ناخن تدبیر

#### نامه حبل المتین:

شمیم این گل نشنیده بود هیچ مشام  
چو خامه گردن دادی به تیغ خون آشام  
شدند زنده و گشتند سروران عظام  
نه از جریده در ایران نشانه بود و نه نام  
نه گیو بود و نه گودرز بود و نه رهام  
به کام صرصر و طوفان کسی نیست لکام  
دو روزی از به غلافت دوست را صمصام  
که هرچه نقض کنی بیشتر شود ایرام  
درین چکامه کند و السلام خیر ختام

دران زمان که نبود از جریده نام و نشان  
ز نامه نامی اگر بر زبان کسی رفتن  
دمید نفخه صور و همه عظام رمیم  
نبود نامه حبل المتین اگر در هند  
بلی نبود به زاولستان اگر رستم  
اگر دو روزی توقیف کرد نامه تو  
دوباره صیقلی آید برون به کشتن خصم  
بگو عدوی زه حبل المتین بدارد دست  
ترا سپاس و سلام ارمغانی از ره دور

۱ شرح حال مفصل مؤیدالاسلام بصورت مقاله جداگانه در همین شماره یاد به قلم آقای عنایت الله رحمانی درج شده است.

## دعوت الاسلام

مجله دعوت الاسلام در شهر بمبئی هندوستان به مدیریت آقای سید محمد علی داعی الاسلام به زبان فارسی و اردو و در سال ۱۳۲۴ قمری منتشر شده است. شماره اول دعوت الاسلام که مدیر آن نام آن را «اسلام نامه» گذارده در ۱۶ صفحه به قطع خشتی، روی کاغذ متوسط، با چاپ سنگی و به خط نستعلیق خوب طبع و در ماه رمضان المبارک ۱۳۲۴ قمری مطابق اکتوبر ۱۹۰۶ میلادی توزیع گردیده است. با اینکه در هندوستان چاپ سربی به حد وفور وجود داشته علت طبع مجله را با چاپ سنگی در صفحه چهارده شماره اول تحت عنوان «اعتذار» اینطور می نویسد:

«چون اهل هندوستان چاپ حروفی را نمی پسندند برخلاف ایرانیان که بسیار طالبند. در این نمره ملاحظه هندوستانیان شد اگر خوب از طبع بیرون نیاید در شماره دیگر فارسی را علیحده با حروف و اردو را با خط، طبع خواهیم نمود.»

مجله دعوت الاسلام دنباله انتشارات «دعوت الاسلامیه» و یا گفتگوی صفاخانه اصفهان است که آقای داعی الاسلام آن را در اصفهان منتشر می نمود و پس از مسافرت به هندوستان به شرحی که بعداً خواهیم نوشت اداره دعوت اسلامیه اصفهان تبدیل به اداره دعوت الاسلام واقع در بمبئی گردید و مجله دعوت الاسلام در مقاله افتتاحی مجله پس از یک خطبه مفصل که چهار صفحه مجله فرا گرفته، تحت عنوان «شرح احداث اداره دعوت الاسلام» بدین قسم ذکر کرده است:

«روزی که از اصفهان به عزم حج بیت الله الحرام بیرون آمدم در هر شهری چندی توقف داشتم. در مذاق اکابر و اصاغر اسلام تجسس نیکو می نمودم. در قوه متخیله شان صورتی از امورات راجعه به نوع و حفظ حوزه مسلمین و ترویج اصول اسلامیه نمی دیدم، همه را در کوتاه نظری و خیالات راجعه به شخص مشهود کردم تا با هزار آه و افسوس به حرم خدا وارد شدم و در محل ظهور نور مقدس الهی اسلام پاک شبها و روزها به غربت دین خدا و غفلت ماها همی گریستم و بر سر و سینه زدم جز در دیوار کعبه معظمه هم ناله نداشتم، تا در شبی روح مقدس نبوی (ص) را در خواب دیدم. فی الجمله تسکین یافتم. با هزاران ذوق و شوق بار سفر مدینه بستم. سهل و صعب بیابان را درنوردیده به کعبه مقصود رسیدم، چون در حرم مطهر مقابل قبر شریف ایستادم سراپای وجودم

سوختن گرفت. اشک از چشمم جاری گردید. بدنم به لرزه درآمد. بر زمین افتادم و عرض نمودم ای جد بزرگوار در بیان تبلیغ شریعت مطهره اسلام چه رنجها بردی، از اقوام جهان چه صدمه‌ها کشیدی تا این نور الهی را جاری ساختی. در میان مسلمانان اتحاد و قومیت استوار فرمودی... القصه آنچه سالها آرزوی گفتن آن داشتم آنقدر گفتم که غش کردم. چون سخن در وصف این حالت رسید. هم قلم بشکست و هم کاغذ درید.

باری از مدینه منوره به شام و از آنجا به مصر و سپس در اواسط ماه ربیع الاول به بندر معموره بمبئی رسیدم. در ابتدای ورود ورقه «مشورت نامه» طبع و در میان برادران اسلام منتشر ساختم و خود هم مشغول تعلم زبان هندوستانی شدم. جناب... آقا میرزا محمد امین التجار ادام الله بقائه که از اجله مسلمانان و صاحب غیرت اسلام و خیرت تام و حسن فطرت و حرارت ملاکلام است، باحداث اداره دعوت اسلامیه در هند مایل شدند و در غیاب احقر مجلس فرموده اهل حل و عقد اسلام را جمع و در این باب مشورت نمودند. اتفاق آراء بر اجراء و احداث گشت، مجلس دیگر منعقد فرموده احقر را هم دعوت نمودند، بعد از آنکه احقر در وجوب احداث دعوت اسلامیه یک نطق مفصل به عرض سامعین رساندم همه اظهار همراهی نمودند و اداره «دعوت الاسلام» به این ترتیب قایم گشت که در وسط معموره شهر منزلی برای انجمن مهیا شود که در هر هفته دو روز مجلس منعقد گردد. یک روز برای مباحثه با ملل یعنی هر کس را در حقیقت اسلام شک است اعتراضات خود را در آن مجلس اظهار بدارد و جواب بگیرد و روز دیگر برای بیان فضائل اسلام باشد که مسلمانان با خبرت و نطق در آن روز برای سامعین فضایل اسلام را بیان کنند. اخبار دینیه هم در این مجلس در زبان فارسی و اردو و پس از چندی با اضافه انگلیسی طبع شود. پنج نفر از بزرگان آن مجلس رکنیت و عضویت انجمن را قبول فرمودند که در هر هفته در روز یکشنبه به اداره تشریف آورده در ترقی آن مشورت کنند و بر آنچه اتفاق آرا گردید عمل نمایند. آنچه اعانه از مسلمانان جهان برای ترقی اداره دعوت آید به نظر این پنج نفر به مصرف می‌رسد. احقر الاتام داعی الاسلام را به هیچ وجه مداخله با دخل

و خرج اداره نیست. فقط تکلم در انجمن و درج در جریده و انتشار آن با احقر است.»

از شرح مذکور به خوبی علت پیدایش مجله و اداره دعوت الاسلام و کسانی که در تاسیس آن شرکت داشته واضح و آشکار می‌گردد. راجع به مندرجات مجله باید یادآور شویم که اغلب مندرجات آن صورت مباحثاتی است که بین داعی الاسلام و دیگران در اداره مجله واقع شده و مدیر مجله پس از جرح و تعدیل عبارات آنها را در مجله به چاپ رسانیده است و خلاصه نوع مطالب نظیر مطالب مجله الاسلام یا گفتگوی صفاخانه اصفهان است. قسمتی از مندرجات دعوت الاسلام بدین قرار است: گفتگوی آقا میرزا ابوطالب مجتهد با کشیش مبلغ نصرانی - تشریح مجلس شب چهارشنبه ۱۲ رمضان المبارک ۱۳۲۴ قمری.

دعوت الاسلام از همان بدو تاسیس مورد توجه مسلمین هند و سایر ممالک اسلامی واقع شده و از کمک‌های مادی و معنوی در نشر و ترویج آن دریغ ننموده و با دادن اعانه به انتشار آن کمک کرده‌اند. در شماره اول حکمی از حجج اسلام عتبات عالیات از قبیل مرحومین صدر و آخوند ملا محمد کاظم دائر به تشویق معلمین به دادن اعانه و استفاده از مجله دعوت الاسلام و قدردانی از مدیر آن چاپ شده که قسمتی از حکم مذکور چنین است:

«از قرار مسموع جناب حاج سید محمد علی اصفهانی ملقب به داعی الاسلام که چندی در جلفای اصفهان مجلس منعقد نموده معروف به صفاخانه با روساء ملت عیسویه در اثبات عقاید حقه اسلامیه که مطابق عقول سلیمه و موافق فطرت مستقیمه است صحبت نموده و بعضی از ایشان را به بیانات کافیه بدین قویم هدایت نموده و این اوقات در معموره بمبئی رحل اقامت انداخته در آن حدود لازمست مثل جناب معظم به بصیر مطلق مقابل دعوات کفار به دعوت اسلامیت مشغول باشد...»

در هر شماره نیز پس از ذکر محل اداره این جمله: «هرکس اعانه می‌فرستد به عنوان جناب آقا میرزا محمد امین التجار بفرستد» چاپ شده و همچنین در صفحه هفتم شماره اول شرحی درباره اعانه دادن به مجله تحت عنوان «آگاهی» نوشته که خلاصه آن این است:

«بر مسلمانان که در شرق و غرب هستند پوشیده نماند که از جهت حسن ترتیب اداره آنچه اعانه بفرستند به ترتیب صحیح به مصرف می‌رسد و دخل و



خرج اداره و اسماء اعانه دهندگان در این روزنامه دینیہ درج می شود. هرگاه در فرستادن اعانه کوتاهی نمایند نزد صاحب اسلام شریف معذور نیستند تاکنون هزار و دویست روپیه از چند نفر از مسلمانان بمبئی اعانه رسیده در شماره دوم درج می شود.»

و در شماره هفتم سال اول تحت عنوان «اول اعانه از مملکت ایران» اعانه ای را که میرزا سلیمان خان شیرازی معروف به رکن الملک، نایب الحکومه اصفهان و رفیق سابق آقای داعی الاسلام، از اصفهان فرستاده و مبلغ آن شصت تومان سالیانه یعنی ماهی ۵ تومان بوده، چاپ کرده است. طرز انتشار دعوت الاسلام ماهی دو مرتبه، به دو زبان فارسی و اردو طبع شده و قیمت اشتراک آن بدین قسم معین گردیده است:

هندوستان سه روپیه، ممالک ایران ۱۵ قران، دولت عثمانی مجیدی و نیم، قفقاز و ترکستان سه منات. اروپا و چین و مصر ۷ فرانک. قیمت یک نسخه سه آنه. عنوان مراسلات و محل اداره مجله: بمبئی. بهندی بازار. انجمن دعوت الاسلام.

مقاله افتتاحی مجله به خطبه و عبارات زیر شروع می گردد: «احمد لله الهادی للعباد الی سبیل الرشاد و الصلوة و السلام علی رسوله محمد خاتم الرساله و النبوة صاحب الدعوة الحقه و علی آله و اصحابه البررة الکرام المروجین للاسلام الی یوم الختام. و بعد ان الدین عندالله الاسلام آری صحیح است که امروز در روی زمین....»

همانطور که قبلاً یادآور شدیم دعوت الاسلام با چاپ سنگی طبع شده و مطبعه آن مطبعه سنگی مظفری بمبئی بوده است. نگارنده [صدر هاشمی] از این مجله فعلاً تا شماره ۷ سال اول مورخ غره ذیحجه الحرام ۱۳۲۴ قمری در دست دارم ولی برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی ص ۸۶ می نویسد من از نمره یک تا ۱۹ این مجله را دارم و نمره ۱۹ آن در تاریخ اول جمادی الثانی ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است. وی اضافه می کند که تمام این نمرات به غیر از نمره ۱۵ با چاپ سنگی طبع شده است. هر شماره مجله در هشت صفحه و هر صفحه به قطع ۱۹/۵ در ۶/۵ سانتی متر می باشد.

### شرح حال داعی الاسلام

آخرین شرح حای که بطور تفصیل از داعی الاسلام در دست می باشد شرحی است که به قلم خود مشارالیه در شماره مسلسل ۱۱۷ روزنامه آئین اسلام مورخ سوم تیر ماه ۱۳۲۵ قمری نوشته شده و ما در زیر خلاصه از شرح مذکور را نقل می نمایم.

«سید محمد علی داعی الاسلام - در آخر قرن سیزدهم هجری قمری در لاریجان که نام بلوک حصص شرقی و جنوبی کوه دماوند است از یک پدر سید حسن عالم بوجود آمدم<sup>۱</sup> جد اعلایم از آن صد و دروازه نفر سید علوی بود که در اول قرن سوم هجری به خواهش حضرت رضاع که آنوقت در طوس تشریف داشتند و ولیعهد خلافت مأمون بودند برای انجام امور خلافت و حکومت ولایات به ایران آمده بودند که بعد از ورود به ولایات ری خبر شهادت امام رضا را شنیده در کوهستان البرز پخش شدند و یکی از سادات سلسله ما داعی صغیر به سلطنت مازندران هم رسیده بود. در اینجا داعی الاسلام شجره نامه خود را تا امام حسن نوشته است که احتیاجی به نقل آن نیست چون طبقه عالی و متوسط لاریجان فقط در تابستان در آن کوهستان هستند و باقی فصول در آمل مازندران به کسب و تجارت و دهداری اشتغال دارند، در سن پنج سالگی در آمل به مکتب رفتم و بعد از خواندن قرآن و بعضی کتب فارسی و تعلم خط؛ نصاب الصبیان ابونصر فراهی را در همان مکتب حفظ کردم و بعد برای تحصیل صرف و نحو عربی به مدرسه مسجد جامع منتقل شدم و بعد از خواندن مدرسه قاجاریه و بعد در مدرسه سپهسالار جدید حجره داشتم تا اوایل تحصیل طهرانم تابع محیط محصلین بودم که بعد از نحو و صرف عربی؛ معانی و بیان و بدیع و منطق می خواندم و بعد اصول فقه و حکمت ولی من برای بار اول آن محیط را دیدم و در روزهای پنجشنبه و جمعه که آن زمان ایام تعطیل و استراحت طلاب بود ریاضی یعنی حساب و هیئت و هندسه و جغرافی می خواندم و در ادبیات عربی و فارسی نثر و نظم خصوص می نمودم و با شعر گفتن هم تفریح می کردم. در مدرسه سپهسالار شهرت بود که در مدرسه صدر اصفهان دو نفر فاضل معمر بی نظیر ایران آخوند ملا محمد کاشی و جهانگیر خان قشقانی هستند. شوق استفاضه مرا به اصفهان پرتاب کرد - در همان مدرسه صدر جنب حجره آخوند کاشی حجره گرفتم و سالها استفاضه می نمودم و در درس خارج فقه و اصول شیخ محمد تقی معروف به آقا نجفی هم می رفتم. احکام فقه را از جواهر الکلام و حدایق و وسایل که کتب اجتهاد استنباط می کردم.

۱ در اینجا داعی الاسلام سال ولادت خود را نوشته ولی در جاهای دیگر که شرح احوال او نوشته شده سال ولادتش ۱۲۹۵ قمری ضبط گردیده است.

غور رسی در ادبیاتم مرا به سلیمان خان رکن الملک شیرازی که نایب الحکومه اصفهان و مرد ادیبی بود آشنا ساخت اگر شب‌ها و روزهای جمعه در محفل ادبی ایشان حاضر نمی‌شدم گلاهِ می‌شنیدم ناگاه اتفاقی افتاد که برای دفعه دوم محیط علمی آن زمان را پاره کردم جمعی از مبلغین عیسوی که از اروپا به هندوستان رفته فارسی آموختند و کتب متعدد در رد بر اسلام در هند چاپ کرده به اصفهان آمده منتشر نمودند و مبارزه می‌کردند.<sup>۱</sup>

حوزه علمیه<sup>۲</sup> با مشورت رکن الملک مرا برای جواب آنها معین کرد. اول خودم را به خواندن کتب معهد عتیق و جدید و کتب رد اسلام بر نصرانیت و بالعکس و آموختن یک درجه از زبان عبرانی مهیای کار کردم و بعد مشغول شدم و مجله الاسلام اصفهان که سالها چاپ می‌شد<sup>۳</sup>

مناظره من با مبلغین عیسوی بود. در ضمن آن کار زبان انگلیسی را هم آموختم. در سال ۱۳۲۴ قمری شوق حج بیت الله مرا به حجاز برد و در مراجعت از راه شام به مصر رفتم و در آنجا از تجار ایرانی که از کارهای اصفهانم باخبر بودند پذیرائی و احترام دیدم و چون از آن جا کشتی برای خلیج فارس نبود به بمبئی رفتم که از آنجا به ایارن بیایم. ایرانیان بمبئی که مجله الاسلام مرا خوانده بودند خواهش کردند در آنجا هم با مبلغین عیسوی که سالها مشغول کار بودند و مسلمانان جواب نمی‌دادند مناظره کنم. برای مقدمات کار شروع به آموختن زبان اردو کردم در مدت دو ماه و نیم بقدری اردو آموختم که در یک مجلس عمومی نیم ساعت در موضوع مقایسه ادیان

۱ سر دسته مبلغین مسیحی شخصی موسوم به تیزدال بوده که چند زبان شرقی میدانست و در محله جلفای اصفهان منزل گرفته بود و علمای اصفهان را به مباحثه درباره مذهب مسیح دعوت می‌نمود و به این هم اکتفا نکرده کتاب خود را در رد بر اسلام موسوم به نیا بیع الاسلام منتشر ساخت.

۲ ریاست حوزه علمیه اصفهان در آن ایام به عهده آقا نجفی و بعد هم به دست برادرش حاج آقا نورالله بوده پیش آمد مبلغین مسیحی بر این دو عالم سخت گران آمد و برای چاره جوئی درصدد مبارزه و مباحثه با آنها بر آمدند و از این رو به مشورت رکن الملک شیرازی داعی الاسلام برای مباحثه با آنان تعیین گردیده.

۳ در اینجا داعی الاسلام تا اندازه‌ای راجع به چاپ الاسلام مبالغه نموده و یا مانند اغلب مدیران جراید و مجلات که سنوات انتشار مجله و روزنامه خود را بخاطر ندارند، داعی الاسلام نیز ممکن است فراموش کرده باشد که الاسلام بیش از دو سلا نشر نیافته است.

در اردوی فصیح حرف زدم و قتم را منحصر به آموختن السنه نکردم مجله دعوت الاسلام بمبئی را<sup>۱</sup> در دو زبان فارسی وارد و می‌نوشتم انجمن و مجله دعوت الاسلام در تمام هندوستان شهرت یافت و از شهرستانهای هند مرا برای مناظره با مبلغین عیسوی می‌طلبیدند. در سال سوم توقفم در هند برای دانشکده حیدر آباد دکن یک استاد ادبیات فارسی می‌خواستند ایرانیان آنوقت بمبئی غیر از من کسی واجد شرایط نبود و قنول ایران در بمبئی مرا معرفی کرد. آن شغل را کمک به مقصود که دعوت اسلام بود دانستم و قول کردم در ایام استادی دانشگاه هم خواستم خود را مستحق واقعی استاد خوانده شدن زبان فارسی نمایم، زبان پهلوی و اوستا و هخامنشی را آموختم و سه زبان دیگر هند یعنی گجراتی و بهاشا و سنسکریت را هم به تدریج یاد گرفتم. ناگاه مورد خواهش دولت اسلامیه دکن برای تدوین یک فرهنگ جامع عصری برای زبان فارسی شدم در مدت نوزده سال آن فرهنگ را در پنج جلد به اتمام رساندم و از طرف دولت اسلامیه دکن چاپ شد. بعد از بیست و پنجسال خدمت استادی دانشگاه متقاعد شدم و در ایام جنگ جهانسوز به وطن عزیز ایران برگشتم و اکنون متجاوز از سه سال است در طهرانم.

داعی الاسلام مجدداً به هندوستان عودت نموده و اکنون در آن کشور زندگی می‌نماید. داعی الاسلام؛ گاهگاهی شعر می‌سراید و در شعر پیرو سبک هندیست که در عصر صفوی در ایران بین شعرا معمول بوده و این نوع شعر را بر سبک شاعری شعرای زمان قاجاریه ترجیح می‌دهد و معتقد است شعر فارسی در عصر صفهوی به منتهای کمال خود رسیده است. غزل ذیل از اشعار اوست که به سبک هندی گفته است:

### غزل:

با کم چه ز دشمن که به کس کار ندارم	صد شکر که من یار دل آزار ندارم
در وصل رهم جان بتو گمنام چه باک است	منصور نیم چشم سوی دار ندارم
سرشار ز عشق تو بود هر رگ مویم	زین بعد مگوی عاشق بسیار ندارم

۱ از این مجله در حرف «د» کتاب تاریخ جراید صدر هاشمی؛ کلمه دعوة الاسلام، به تفصیل گفتگو شده است.

از همت عالی لب می‌خوار ندارم  
کالای سبک قابل بازار ندارم  
زان است که جز شاه خریدار ندارم

سرمستی من از ره چشم است و ره گوش  
در زاویه جوشیدم ای جمع خریدار  
داعی هندرم بین چه گران قدر متاعی است

منظور شاه دکن است. داعی الاسلام در شعر تخلص داعی داشته است. درباره لقب داعی الاسلام باید یادآور شویم که پس از آنکه رکن الملک شیرازی حسن بیان و تأثیر گفتار سید محمد علی را با مبلغین مسیحی در می‌یابد به وسیله ظل السلطان حاکم اصفهان؛ از مظفرالدین شاه درخواست یک جبه ترمه و از آنوقت سیدمحمد علی به داعی الاسلام ملقب و معروف می‌گردد. داعی الاسلام دارای دو فرزند پسر به نامهای ایران پرست و سید نصرالله سرورش بود. اولی در طهران مدیر کتابفروشی دانش و دومی در شرکت کوه‌رنگ اصفهان مشغول کار بودند.

### دورنمای ایران

روزنامه دورنمای ایران به مدیری عبدالحسین سپنتا در شهر بمبئی هندوستان به زبان فارسی تاسیس و شماره اول سال اول آن در چهار صفحه به قطع متوسط و با چاپ سربی در چاپخانه هور واقع در گوالیا تانک رود بمبئی نمره ۷ طبع و در تاریخ جمعه ۹ آذر ۱۳۰۷ شمسی مطابق ۳۰ نومبر ۱۹۲۸ میلادی منتشر شده است. در آغاز صفحه اول شماره اول عکس رضاشاه چاپ شده و در ذیل آن نطق افتتاحی هفتمین دوره تقنینیه شورای ملی، رضاشاه طبع گردیده است. در صفحه دوم همین شماره تحت عنوان «مقصود ما» غرض از نشر روزنامه را ذکر کرده تا می‌رسد به اینجا که می‌نویسد:

«ما یگانه علاج این درد را به وسیله اطلاع از وضعیات ایران و انتشار و ترویج زبان فارسی بین برادران ایرانی خود می‌دانیم. به همین مناسبت با وجود چندین موانع که برای هر روزنامه نگاری در بدو امر حاصل می‌گردد اقدام به انتشار این نامه مختصر می‌نمائیم تا شاید بعضی برادران ایرانی را که در گوشه و کنار دکانین خود مشغول کسب هستند از اخبار جدید و ترقیات روزافزون ایران مطلع سازیم.»

پس از مقاله مذکور اخبار داخله و در صفحه چهارم غزلی از شهریار چاپ شده است.

طرز انتشار روزنامه هفتگی بوده و در زیر عنوان آن، دورنمای ایران، روزنامه سیاسی، اجتماعی، ادبی، مصور معرفی شده؛ وجه اشتراک یک ساله روزنامه در هندوستان ۴ روپیه و در خارجه به اضافه اجرت پست و تک شماره یک آن و قیمت اعلانات در صفحه سه و چهار سطرى چهای آیه معین گردیده است. محل اداره روزنامه بمبئی و سایر خصوصیات به زبان انگلیسی به شرحی است که در سر لوحه عکسی روزنامه خوانده می‌شود. مندرجات روزنامه پس از مقاله اساسی عبارت از اخبار ایران بتفصیل و پیشنهادات مختلف و اشعار گوناگون می‌باشد. دورنمای ایران برای آشنا نمودن ایرانیان مقیم بمبئی هندوستان به ترقیات و پیشرفتهای آن دوره ایران روزنامه مفیدی بوده. این روزنامه مدت چهار ماه منتشر شده و بعداً تعطیل گردیده تا بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰ که مجدداً آقای عبدالحسین سپنتا، به عوض آن روزنامه سپنتا را در اصفهان منتشر ساخته است. از روزنامه سپنتا در ذیل کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران گفتگو خواهیم کرد. شماره ۱۵ سال اول روزنامه در تاریخ شنبه ۳ فروردین ۱۳۰۸ انتشار یافته و به مناسبت آغاز سال نو سرمقاله آن اشعاریست که آقای حسین دانش در سال ۱۹۱۸ در اسلامبول سروده است. در این شماره علاوه بر این اشعار، اشعاری از آقای حکمت و نیز اشعاری اثر طبع عارف قزوینی چاپ گردیده است.

آقای عبدالحسین سپنتا - از جوانان باذوق و شاعری حساس است. وی علاوه بر روزنامه نگاری که در آن سلیقه خاصی دارد و شماره‌های روزنامه سپنتا منتشر در اصفهان بهترین گواه آن است در فن تئاتر و هنرپیشگی مهارت و ذوق مخصوصی دارد. فیلم دختر لر که به زبان فارسی تهیه شده نمونه بارزی از هنرمندی ایشان در صنعت فیلم است. عبدالحسین سپنتا فرزند غلامرضا در سال ۱۲۸۲ شمسی در تهران متولد شده و تحصیلات خود را در آنجا شروع و در هندوستان به پایان رسانیده است. سپنتا در مدت توقف هندوستان که تا سال ۱۳۱۶ به طول انجامیده و در این سال به ایران مراجعت نموده، علاوه بر انتشار روزنامه دورنمای ایران، فیلمهای ناطق فارسی زیر را تهیه نموده: دختر لر، چشمهای سیاه، شیرین و فرهاد، فردوسی، لیلی و مجنون، جغد سیاه، در این فیلمها لر اول را به نام جعفر، همایون، فرهاد، فردوسی، مجنون و جغد سیاه خود ایشان عهده دار بوده‌اند.

آقای سپینتا زبان انگلیسی را خوب می‌دانست و ادبیات و زبان فارسی قدیم را در هندوستان نزد دانشمند مشهور آقای دینشاه ایرانی و پروفیسور انگلس فرا گرفته بود و در حقیقت به ادبیات این دو زبان احاطه کامل داشت. کتبی نیز تالیف و ترجمه نموده که اهم آنها بدین قرار است: ۱- ایران و اهمیت آن در ترقی بشر ۲- پرتوی از فلسفه ایران باستان ۳- پیام راستی ۴- زرتشت که بود و چه کرد ۵- منتخباتی از اشعار دهقان سامانی با شرح حال شاعر ۶- نوآموز مزدیسنا ۷- منتخباتی از اشعار گلشن ایران پور ۸- اشک سپینتا ۹- اسرار جنگل ۱۰- انار گلی.

سپینتا در فن ایراد خطابه نیز مهارتی بسزا دارد و سخنرانیهای او در انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی حکایت از کمال زبردستی او در این فن می‌نماید. در انواع شعر از قصیده و قطعه و غزل دست کمی از شعرای معاصر ندارد و در شماره‌های روزنامه سپینتا شاهد و گواهی بر شاعری او به شمار می‌رود.

در مقدمه کتاب «ایران و اهمیت آن در ترقی و تمدن بشر» تالیف بلسارا دانشمند و محقق ایران شناس که در سال ۱۹۳۶ در بمبئی ترجمه آن از طرف انجمن ایران لیک طبع و منتشر شده و این کتاب به وسیله آقای سپینتا ترجمه گردیده، راجع به مترجم کتاب می‌نویسد:

«آقای سپینتا سوابق ممتد و مشعشعی در عالم فیلم و سینما دارند، و اولین کسی هستند که فیلم ناطق فارسی به سعی و همت ایشان شروع گردید و تا کنون شش فیلم ناطق ایرانی در تحت رئیس ایشان تهیه گردیده است. گذشته از شهرتی که ایشان در هند به نام یک رژیسور زبردست دارند بعلاوه در ادبیات و تاریخ ایران مطالعات و تحقیقات زیاد نموده و در نشر کتب مختلف در این زمینه زحمات زیاد متحمل شده‌اند و تا کنون به نشر چندین کتب مفید در تاریخ و ادبیات ایران موفق گردیده‌اند آقای سپینتا عشق و علاقه مخصوصی به وطن خود ایران دارد و در هر کتاب و هر فیلم این عشق سرشار به شکلی خودنمایی کرده است و به همین مناسبت آثار ایشان اغلب جنبه ملی را دارا می‌باشد چنانکه فیلم‌های دختر لریا ایران دیروز و امروز، چشم‌های سیاه یا فتح لاهور به دست نادرشاه و هم چنین کنسرتهای ملی ایشان در تالار کاوسجی هال بمبئی شاهد این مدعی است.»

## سکندر

روزنامه سکندر در شهر کلکته از بلاد هندوستان به زبان فارسی تاسیس و در سال ۱۲۶۲ قمری مطابق ۱۸۴۲ میلادی منتشر شده است. این روزنامه همه هفته روزهای یک شنبه منتشر می‌گردیده است. (تاریخ مطبوعات و شعر فارسی ص ۱۰۴) برون می‌نویسد من نمونه این روزنامه را ندیده و در دست ندارم.

## سلطان الاخبار

روزنامه سلطان الاخبار در شهر کلکته تاسیس و در سال ۱۲۶۲ قمری مطابق ۱۸۴۶ میلادی منتشر شده است. سلطان الاخبار یا سلطان الاکبر همه هفته روزهای یک شنبه طبع و توزیع می‌گردیده است. (ص ۱۰۴ کتاب مطبوعات و شعر فارسی) آقای صدر هاشمی می‌گوید بیش از آنچه از برون نقل شده از این روزنامه من هم اطلاعی ندارم.

## سید الاخبار

روزنامه سید الاخبار با چاپ سنگی به مدیری و تحت نظر آسید آقا شیرازی در حیدر آباد دکن تاسیس و در سال ۱۳۰۶ قمری مطابق ۱۸۸۸ - ۸۹ میلادی منتشر شده سید الاخبار هر هفته مرتباً روزهای شنبه در هشت صفحه بزرگ طبع و توزیع گردیده است. برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی ص ۱۰۵ می‌نویسد از روزنامه سید الاخبار مجموعه در موزه برتیش به نمره ۷۵۷ موجود است. در این مجموعه ۳۵ نمره از سید الاخبار هست که نمره اول آن به تاریخ ۴ ربیع الثانی ۱۳۰۶ قمری و نمره ۳۵ آن به تاریخ ۵ ذیحجه سال مذکور می‌باشد. در عنوان هر شماره تصویر شیر و خورشید و آن عبارت «جید اخبار عالم سید الاخبار شد» به صورت شعار چاپ شده. یک قسمت عمده از مندرجان روزنامه ترجمه اخبار خارجی از جراید مهم انگلستان راجع به روابط روسیه با ایران است. در انتهای هر نمره امضای سید آقا شیرازی درج شده است.

ادوارد برون در کتاب مطبوعات ص ۱۰۶ اضافه می‌کند که من نمره ۳۴ سال دوم سید الاخبار را در دست دارم و این نمره مشتمل بر دوازده صفحه و هر صفحه آن به قطع ۷ در ۱۲ و سه چهارم اینچ و با خط بسیار خوب تعلیق و با چاپ سنگی در تاریخ ۲۱ رمضان ۱۳۰۷ قمری طبع و توزیع گردیده است و تا کنون آخرین شماره روزنامه مذکور مشخص نیست تا چه تاریخی انتشار یافته است.



## علیگر

ظاهراً روزنامه‌ای به نام علیگر به زبان فارسی در کلکته هندوستان منتشر می‌شده ولی تا کنون شماره‌هایی از آن به دست نیامده است فقط در برخی جراید به آن اشاره شده است.

## کوکب ناصری

روزنامه کوکب ناصری در شهر بمبئی هندوستان به مدیریت میرزا مصطفی شیخ الاسلام بهبهانی تأسیس و در سال ۱۳۰۹ قمری مطابق ۹۲ - ۱۸۹۱ میلادی منتشر شده است. این روزنامه با چاپ سنگی و خط تعلیق طبع گردیده و نمره سوم سال اول آن در تاریخ ۱۵ ژانویه ۱۸۹۲ میلادی انتشار یافته است. براون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی ص ۱۲۹ می‌نویسد من نمره ۴ و ۵ و ۶ و ۷ سال اول این روزنامه را دارم. هر نمره آن در هشت صفحه به قطع ۱۷/۵ در ۱۱/۵ اینچ می‌باشد. وجه اشتراک آن در بمبئی ۱۵ قران، در هندوستان و خلیج فارس و عربستان ۲۰ قران، در سایر شهرهای ایران و ترکیه و اروپا ۲۵ قران. براون پس از شرح مذکور مدیر روزنامه را میرزا مصطفی و دکتر سیلواسترا نام دکتر را با علامت تعجب نوشته است و ناشر را مصطفی شیخ الاسلام بهبهانی معرفی کرده است.

## قند پارسی

مجله ادبی قند پارسی به مدیریت محمد احسن الله خان المتخلص به ثاقب در علیگر هندوستان طبع و در سال ۱۳۲۳ قمری منتشر شده است. برون در کتاب شعر و مطبوعات صفحه ۱۲۵ درباره قند پارسی به طور اختصار نوشته است روزنامه ادبی قند پارسی در علیگر هندوستان چاپ شده است و اضافه کرده است که آقای صدر هاشمی در کتابش نوشته نمونه آن را ندیده است.

نگارنده نیز تاکنون نمونه این مجله را به دست نیاورده‌ام و اطلاعی که درباره آن دارم عبارت از شرحی است که در شماره اول سال دوم مجله چهره‌نما منطبعه مصر مورخ ۱۵ جمادی الاول ۱۳۲۳ قمری نوشته و آن شرح به عینه چنین است:

قند پارسی پارسی گویم که نغز و دلکش است

چون مرا با پارسی گفتن خوش است

نامه نامی و روزنامه گرامی قند پارسی چاپ شده علیگر هندوستان که چون باغی است از گل‌های رنگارنگ پاریس آراسته و بوستانی است از غنچه‌های نوشکفته زبان دری پیراسته و نگارشات شیرینش بازار سخن سنجان ترک و تازی را شکسته و خوان نمکینش بازوی شیرین زبانان بسته. شاهدهی است در سخن‌پردازی شکرزا و دلارائی است در سخن طرازی سراسر زیبا و ستایشش بسیار و گذارشش بی شمار.

ز شیرینی شکر را بسته بازار از او مد هوش طوطی در شکرزار

این نخستین نامه مشکین چکمه‌ای است که در هندوستان از ریزش خامه عنبرین آمه خردمند دانش پژوه یگانه فرزانه محمداحسن اللّه خان المتخلص به ثاقب به پارسی سخن راند. نو آموزگاران را در پارسی آموختن و دبستانیان را در فرس و دری اندوختن بهترین سرمایه‌ای است به سزا و خوشترین پیرایه‌ای است به جا، مدیر روشن ضمیرش ثاقب در چکامه پارسی با تازی سرودن سرآمد سخن سنجان است و زنده کننده سنائی و خاقانی است، چنانکه می‌گوید:

بایدت در عین هجران روی خندان داشتن

دشنه بر جان خوردن و پنهان ز جانان داشتن

یک گلستان گل به دامن زبیدت در یاد وصل

یک جهان شایدت باید روز هجران داشتن

### لودیانه اخبار

روزنامه لودیانه اخبار در شهر کلکته هندوستان به طور هفتگی منتشر می‌شده و انتشار آن در سال ۱۲۶۲ قمری ۱۸۴۶ میلادی بوده است. برون که در صفحه ۱۳۱ کتاب مطبوعات و شعر فارسی شرح مذکور را نوشته اضافه می‌کند که نمونه آن را ندیده است.

### مدرس فارسی

مجله مدرس فارسی در شهر بمبئی هندوستان تأسیس و به دو زبان فارسی و انگلیسی در سال ۱۳۰۰ قمری مطابق ۱۸۸۳ میلادی منتشر شده است. قسمت فارسی مجله با چاپ سنگی و قسمت انگلیسی آن با الفبای کتابی طبع گردیده.

مندرجات مجله مدرس فارسی عبارت از دستور زبان فارسی و ادبیات و حکایات فارسی و ضرب المثل و داستان‌های کوچک می‌باشد. شماره اول این مجله در تاریخ سه‌شنبه اول ژانویه ۱۸۸۳ میلادی طبع و توزیع شده و در هر شماره این شعر بعنوان شعار مجله چاپ شده است:

زلاف حمد نعت اولی است بر خاک ادب خفتن

سجودی می‌توان کردن درودی می‌توان گفتن

مجله مدرس فارسی روی هم رفته سه سال در ۳۶ نمره منتشر شده و شماره آخر که شماره سی و ششم باشد در ماه دسامبر ۱۸۸۵ انتشار یافته است. هر نمره آن در ۱۶ صفحه و قیمت اشتراک سالیانه آن برای کسانی که قبلاً وجه اشتراک را پردازند ۴ روپیه و برای کسانی که در پایان سال پرداخت نمایند ۵ روپیه، ناشر مجله خان بهار منتشی و پسرش و نویسنده و مؤسس مجله آقایان میرزا محمدجعفر و میرزا محمدصادق خراسانی کنسول ایران در کراچی بوده‌اند. در فهرستی که برای بعضی از جراید فارسی در سال دوم دوره جدید کاوه ضبط شده درباره این مجله می‌نویسند: «روزنامه مدرس فارسی در بمبئی در ربیع الاول ۱۳۰۰ دایر شد و مدتی دوام کرد.» اشتباه تنظیم کننده فهرست در این است که مدرس فارسی را روزنامه ضبط کرده در صورتیکه مجله است.

## مفتاح الظفر

روزنامه مفتاح الظفر در کلکته هندوستان به زبان فارسی به سرپرستی مدیر جبل المتین آقای مویدالاسلام و مدیر کلی میرزا سیدحسن کاشانی تأسیس و در عنوان روزنامه بالای اسم آن جمله بنام خسرو گیتی مظفرالدین شاه و در زیر آن سال تأسیس روزنامه (۱۸۹۷ - ۱۳۱۵) درج شده طرز انتشار مفتاح المظفر روزهای یکم و هشتم و پانزدهم و بیست و دوم هر ماه بود و محل اداره آن (کلکته، فوجداری بالاخانه شیشه گلی نمره ۲) معین شده است.

آبونه روزنامه بدین قرار است: هندوستان و برمه و خلیج فارس ده روپیه، ممالک محرومه ایران و افغانستان ۳۵ قران، چین و ژاپن و روسیه اروپا ۲۵ فرانک. ممالک عثمانی از عراق و مصر و غیره ۵ مجیدی، درباره قیمت تک شماره روزنامه در

شماره‌های اول و دوم نوشته است (خریداران آزاد را مجانی داده می‌شود). و از نمره نهم به جای این جمله نوشته است (اداره خریدار کم از شش ماه را قبول نخواهد کرد). در هر شماره روزنامه مفتاح الظفر بدین قسم معرفی شده:

«این روزنامه ملی کلیه بحش علمی است، مقالات علمیه و مضامین حکمیه به نام نویسندگان طبع و نشر خواهد شد.» در حقیقت تمام مندرجات این روزنامه مقالات ریاضی و مطالب علمی است. برای نمونه عناوین مطالب شماره اول سال دوم را نقل می‌نمائیم.

«فلسفه طبیعی» در این مقاله شرح لنگر به طور تفصیل چاپ شده. «علم الارض» در این مقاله شرح اشکال مثلث و مربع و مستطیل و اشکال دیگر بیان شده. «اقلیدس» مقاله دوم شکل ۷ اثباتی زراعت چای، تحقیقات حکما درباره طاعون، در انتهای صفحه هشتم امضای حسن الحسینی درج است.

نکته شایان توجه اشتباهی است که در چاپ سال انتشار روزنامه ۱۳۱۷ رخ داده در صورتیکه باید ۱۳۱۶ قمری باشد و این اشتباه از شماره اول سال دوم تا چند شماره تکرار شده ولی از شماره تاریخ نوزدهم رمضان اصلاح گردیده و سال ۱۳۱۶ و از آن پس در تمام شماره‌های همین سال چاپ شده است. از روزنامه مفتاح الظفر تا شماره ۲۲ سال دوم مورخ سوم ماه ربیع الاول ۱۳۱۷ قمری در دست است.

مرحوم مؤیدالاسلام و برادرش میرزا سیدحسن کاشانی علاوه بر روزنامه مفتاح الظفر روزنامه معروف جبل المتین چاپ کلکته و تهران را طبع و منتشر نموده‌اند.

### مفرح القلوب

روزنامه مفرح القلوب در پندر کراچی هندوستان به زبان فارسی تأسیس و به طور هفتگی منتشر شده است. روزنامه مفرح القلوب مدت مدیدی در کراچی منتشر می‌شده و بیشتر از سی سال انتشار آن ادامه داشته است. آغاز تأسیس آن ظاهراً سال ۱۲۷۲ قمری بوده و تا حدود سال ۱۳۰۲ قمری منتشر می‌شده و درازمنه مختلف ناشر آن تغییر کرده و من جمله از اوائل تأسیس تا مدتی محمد شفیع و بعداً میرزا محمدجعفر و میرزا محمدصادق مشهدی، قنصل ایران در کراچی متصدی نشر روزنامه بوده‌اند. و در شماره‌های نمونه این عبارت در انتهای صفحه آخر هر شماره چاپ شده است:

«مالک و مهتمم این اخبار مفرح القلوب کراچی و مطبع اش میرزا محمد شفیع  
خلف مرحوم میرزا مخلص علیست.»

اسم روزنامه به خط نسخ در مربعی نوشته شده و اطراف این اشعار درج است:

ای نام تو راحت دل و جان	سرمایه فرخت فراوان
هر سبزه که از زمین برآید	بر وحدت تو زبان گشاید
نامت چو مفرح القلوب است	فرخنده کسی که دل به تو بست
کاری که بر توکل تو کردم ابتدا	یارب بفضل خویش رسانش به انتها

در زیر عنوان مذکور تاریخ انتشار و تفصیل قیمت و اجرت پست به حساب سیاق  
معین شده و قیمت یک نسخه اخبارنامه (۸ ز) و اجرت طبع اشتهاارنامه و مضامین  
مفیده خاص فی سطر ۴ ر. اجرت طبعه اشتهاارنامه و مضامین مفیده عام (معاف). به  
غیر از سطور مذکور این دو سطر در انتهای صفحه اول درج است:

«هر کسی که بدون دادن زر قیمت اخبار نامه گرفتن اخبارنامه به نام خود  
نبه خواهد کرد تا زمانی که وجه قیمت آن را ادا نکند همیشه قیمت آن به  
ذمه اش محسوب شده هر وقت مطالبه و حساب از او گرفته خواهد شد و  
وجه موصوله باز هرگز مسترد نخواهد گردید.»

آقای صدر هاشمی در کتاب تاریخ جراید خود می‌افزاید:

«از روزنامه مفرح القلوب نمونه‌های مختلف مربوط به جلد ۲۴ در دست  
دارم، من جمله نمره ۴۶ از جلد ۲۴ است که در تاریخ ۲۲ شهر ذیقعد  
۱۰۹۶ مطابق ماه نوامبر ۱۸۷۹ میلادی در ۱۲ صفحه به قطع وزیری و با  
چاپ سنگی طبع و توزیع شده و نیز نمره ۴ جلد ۲۴ در تاریخ ۱۸ شهر  
محرم الحرام ۱۲۹۶ هجری مطابق ۱۲ ماه جنوری ۱۸۷۹ میلادی منتشر  
شده است.»

معمولاً هر شماره مفرح القلوب در ۱۲ صفحه چاپ شده و مندرجات آن عبارت  
از مقالات مختلف و اشعار و اخبار جهان و اخبار هند، بندر کراچی است. برای اینکه  
خوانندگان به سبک عبارت و اخبار روزنامه آگاه گردند یکی دو خبر از نمره ۴ جلد  
۲۴ آن را نقل می‌نمائیم:

«پیشاور ۲۱ دسامبر - منفذ عام در میان علی مسجد و جمروود به سبب رهزنی فرقه کوکی خیل بند شده بود مگر خبر بلجیان راه صاف کردند، حکمنامه به نام روسی حاکم ترکستان شرف صدور یافته است که سامان جنگ موجود و مهیا دارد.»

قسمتی از فهرست مندرجات نمره ۵ جلد ۲۴ مورخ ۳ صفر ۱۲۹۶ قمری بدین قرار است.

«التماس در خدمت مشتریان اخبار نامه، کتاب رقوم المسالك، ناصرالمالك محمودخان وزير دولت ايران، حسين حامد بيك افندي، اظهارات انگليس در باب اصلاحات آناتولي، خرج جنگ افغانستان، افواه عوام، دولت روس و دولت روم، جلال آباد، مختصر حالات تهذيب و شايستگي قوم روس و نظم و نسق گورنمنت، تناسب اهل اسلام و اهل هنود، رپورت از قنדרها، شكارپور.»

در شماره‌های نمونه این سطر در انتهای صفحه آخر هر شماره درج است: «مالک و مهتم این اخبارنامه مفرح‌القلوب کراچی و مطبع‌اش میرزا محمد شفیع خلف مرحوم میرزا مخلص علیست.»

روزنامه مفرح‌القلوب از حیث چاپ و کاغذ مانند سایر مطبوعات هندوستان با خط نستعلیق و روی کاغذ زرد است. روی هم‌رفته این روزنامه بیشتر از جهت اخبار جهان و هند اهمیت دارد و گرنه از لحاظ مقالات علمی و ادبی چندان قابل توجه نیست و در حقیقت همان قسم که به آن نام گذاشته «اخبارنامه» مفرح‌القلوب است و از این حیث نظیر روزنامه‌های ایران و اطلاع می‌باشد.

پرتال جامع علوم انسانی